

طالوت (ع)

قال تعالى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلَكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ * تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ(172).

حق تعالی می فرماید: (آیا آن گروه از سران بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی آنگاه که به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما پادشاهی منصوب کن تا در راه خدا پیکار کنیم. گفت: آیا نپندارید که اگر قتال بر شما مقرر شود از آن سرباز خواهید زد؟ گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم در حالی که ما از سرزمینمان بیرون رانده شده ایم و از فرزندانمان جدا افتاده ایم؟! و چون پیکار بر آنها مقرر شد جز اندکی از آن روی برتافتند؛ و خدا به ستمکاران آگاه است * پیغمبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را به عنوان پادشاه شما برگماشت. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد؟! در حالی که ما سزاوارتر از او به پادشاهی هستیم و به او دارایی چندانی داده نشده است! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و بر دانش و نیروی بدنی او بیفزوده است، و خداوند پادشاهیش را به هر که بخواهد

می دهد، که خداوند گشاینده‌ی دانا است * پیغمبرشان به آنها گفت: نشان پادشاهی او این است که تابوتی که سکینه و آرامش از جانب پروردگارتان و باقی مانده‌ی میراث خاندان موسی و خاندان هارون در آن است و فرشتگان حملش می کنند، نزد شما خواهد آمد. در این، برای شما نشانه و آیتی است، اگر مؤمن باشید! * چون طالوت سپاهش را به راه انداخت، گفت: خداوند شما را به جوی آبی می آزماید؛ هر که از آن بخورد از من نیست و هر که از آن نخورد یا تنها کف دستی بیاشامد از من است. همه جز اندکی از آن نوشیدند. چون او و مؤمنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند، گفتند: امروز ما را توانِ جالوت و سپاهش نیست. آنانی که یقین داشتند که با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا با کسانی است که صبر پیشه می کنند * چون با جالوت و سپاهش روبه‌رو شدند، گفتند: ای پروردگار ما! بر ماشکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز فرما! * پس به خواست خدا ایشان را شکست دادند و داوود، جالوت را بکشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داد، و از آنچه می خواست به او پیاموخت، و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین تباه می شد، ولی خداوند صاحب فضل و کرم بر جهانیان است * اینها آیات خداوند است که به راستی بر تو می خوانیم، و به راستی تو از فرستادگان هستی) [173].

بعد موسی (ع) بمدة لیست بقصیرة تسلط جالوت الکافر و جنوده علی بنی اسرائیل، و استضعفوه و آخر جوهم من دیارهم، ولم یکن هذا التسلط الطاغوتی علی بنی اسرائیل إلا بسبب ضعف الأیمان والتقوی، وترك الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر، والركون إلى الحياة الدنیا، وترك الجهاد والتمرد علی الأنبیاء والأوامر الإلهیة. و عوامل كثيرة أدت ببني إسرائيل إلى الرجوع لحالة شبيهة بحالتهم قبل بعث

موسى (ع)، وهي حالة الخضوع والتسليم للطاغوت التي كان علاجها التيه في صحراء سيناء. فشاء الله سبحانه أن يتسلط على بني إسرائيل جالوت وجنوده، لعل بعضهم يثوب إلى رشده ويتوب إلى ربه، وتحصل حالة إصلاح في جماعة بني إسرائيل، كالتى حدثت في صحراء سيناء في سنين التيه الأربعين عندما نشأ جيل في تلك الصحراء، وحمل كلمة لا إله إلا الله إلى أهل الأرض، وبالفعل فقد نشأ هذه المرة في بني إسرائيل جيل صالح، وأمة ربانية مجاهدة، وهم الثلاثمائة والثلاث عشر رجلاً الذين عبروا مع طالوت النهر، الفتنة التي امتحنهم الله بها ليرى مدى التزامهم بالأوامر الإلهية وطاعتهم لنبيهم ولطالوت القائد المعين من الله. كما نشأ في بني إسرائيل جماعة هم أقل أيماناً من هؤلاء النخبة، وهم الذين اغترفوا غرفة من النهر، ومن الضروري أن نعرف أن فتنة النهر كانت ضرورية لتمحيص المؤمنين، وإبراز المقربين وأهل الإخلاص منهم، ثم إنها كانت كبيرة حيث كان جنود بني إسرائيل في حالة عطش شديدة عند وصولهم إلى النهر، فالذين شربوا من الماء كانوا لا يريدون الهلاك عطشاً حسب زعمهم، فكانت الحياة عندهم أهم من طاعة الله، أما الذين لم يشربوا من الماء فكانوا يرون الهلاك عطشاً في طاعة الله خير من البقاء أحياء في معصية الله، بل كانوا على يقين أن الله سبحانه الذي نهاهم عن الشرب من هذا النهر سيبدلهم خيراً منه، ولم يكن سبحانه ليتركهم يهلكوا عطشاً. وهكذا نرى أن هؤلاء الثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً انتصروا على جالوت وجنوده حال عبورهم النهر.

مدت زمانى نه چندان کوتاه پس از موسى (ع) جالوتِ كافر و سپاهيانش بر بنى اسرائيل تسلط يافتند و ايشان را خوار و ضعيف شمرده، از شهر و ديار خود بيرون راندند، و اين تسلط يافتن طاغوت بر بنى اسرائيل صورت نپذيرفت نشد مگر به خاطر ضعف ايمان و تقوا، ترك كردن امر به معروف و نهى از منكر، متمایل شدن به زندگى اين دنيا، ترك جهاد و سرپيچى از پيامبران و دستورات الهى. عوامل بسيارى دست به دست هم دادند تا بنى اسرائيل به وضعيتى شبيه آنچه پيش از بعثت موسى (ع) داشتند بازگردند؛ وضعيت ذلت و خوارى و تسليم شدن در برابر طاغوت كه راه علاج آن سرگردانى در صحراى سينا بود. خداوند سبحان چنين اراده فرمود كه جالوت بر بنى اسرائيل مسلط شود تا شايد برخى از ايشان به رشد و كمال خویش بازگردند و به سوى پروردگار خود توبه

کنند و اصلاح در بنی اسرائیل حاصل شود؛ چنانکه در دوران چهل ساله‌ی سرگردانی در صحرای سینا چنین شد؛ هنگامی که نسلی تازه در آن صحرا نشو نما یافتند و کلمه‌ی لا اله الا الله را به سوی سایر اهل زمین بر دوش کشیدند. در عمل، این بار، نسلی صالح و امتی ربّانی و مجاهد پرورش یافت؛ همان سیصد و سیزده نفری که به همراه طالوت از رود گذشتند؛ و آزمایشی که خداوند آنها را با آن آزمود، برای این بود که میزان التزام آنها به دستورات الهی و پیرویشان از پیامبر خویش و طالوت فرمانده منصوب شده از جانب خداوند دیده شود. البته در بنی اسرائیل عده‌ای با ایمانی در مرتبه‌ی پایین‌تر از این گروه برگزیده نیز پرورش یافتند؛ همان کسانی که یک کف دست از آب برگرفتند. باید توجه داشته باشیم که آزمون رودخانه بسیار ضروری بود تا مؤمنان در بوته‌ی آزمایش گذاشته شوند و مقربان و اهل اخلاص از میانشان برجسته گردند. این آزمونی بسیار خطرناک و دشوار بود؛ چرا که سپاهیان بنی اسرائیل هنگامی که به رودخانه رسیدند در عطش و تشنگی بسیار شدیدی بودند. آنها که از آب نوشیدند به پندار خودشان نمی‌خواستند از تشنگی هلاک شوند و در نظر آنها، زندگی از اطاعت از خداوند مهم‌تر بود! اما آنان که آب ننوشیدند کسانی بودند که هلاک شدن از تشنگی در راه اطاعت از خداوند را بهتر از زنده ماندن در حالت معصیت خداوند می‌دیدند، و حتی یقین داشتند که آن خدای سبحانی که آنها را از نوشیدن این نهر آب نهی فرموده است حتما در عوض، جایگزین بهتری برایشان قرار خواهد داد و اینگونه نیست که او سبحان آنها را رها سازد تا از تشنگی هلاک گردند. به این ترتیب می‌بینیم که این سیصد و سیزده نفر با این وضعیت عبورشان از نهر، بر جالوت و سپاهیان‌شان پیروز شدند.

أَمَّا أولئك الذين شربوا من النهر، فإنهم هُزموا وأحسوا بالوهن والضعف حال معصيتهم لله وأطاعتهم للهوى والشيطان، فلم يكن قولهم: (لا طاقة لنا اليوم بجالوت وجنوده) إلاّ تحصيل حاصل و إبراز للهزيمة التي انطوت عليها نفوسهم. اما آنها که از آب نوشیدند با معصیت خداوند که انجام دادند و پیروی شان از خواست نفس و شیطان، در هم کوبیده شدند و دچار سستی و ضعف گردیدند. گفتار آنها جز این نبود که (امروز ما را توان رویارویی با جالوت و سپاهیانش نیست) ؛ و این، چیزی جز به دست آمدن نتیجه‌ی از پیش حاصل شده، و آشکار و برجسته شدن شکست و هزیمتی که بر نفس هایشان چیره شده بود، نبود.

والتقى الجمعان، حزب الله بقيادة طالوت، وحزب الشيطان بقيادة جالوت. وكان جيش جالوت متفوقاً عدّة وعداداً، ولم يكن مع طالوت إلاّ القليل من المؤمنين الذين لم يشربوا من النهر والذين اغترفوا غرفة، وكان معه المنافقون الذين شربوا من النهر، وقبل أن تبدأ المعركة التجأ النخبة الإلهية والأمة الربانية إلى الله، وطلبوا منه الصبر والثبات والنصر، فأيدهم الله بنصره: (وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى) ([174])، فقتل أحد هؤلاء المؤمنين المخلصين لله جالوت، فهزم الجمع وولوا الدبر، ونكص الشيطان على عقبيه، وقال: (إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ) ([175])، ولم يكن هذا العبد الصالح الذي قتل جالوت إلاّ داود (ع) الذي اصطفاه الله سبحانه بعد ذلك وجعله نبياً عظيماً وملكاً عادلاً، بعد أن كان مؤمناً مخلصاً لله ومجاهداً شجاعاً لا يخشى إلاّ الله (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلاً يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّوْلُ لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ اْعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) ([176]).

دو گروه با هم رویارو شدند؛ حزب خداوند به رهبری طالوت و حزب شیطان به رهبری جالوت. سپاه جالوت از نظر تعداد و ساز و برگ جنگی برتر بود و همراه طالوت جز اندک گروهی از مؤمنانی که از نهر نوشیده بودند و کسانی که کف دستی نوشیده بودند، نبود. البته منافقینی که از جوی آب نوشیده بودند نیز همراه او بودند. پیش از آنکه پیکار آغاز گردد آن گروه برگزیده‌ی الهی و امت ربانی به خداوند پناهنده شدند و از او صبر، پایداری و

پیروزی درخواست نمودند؛ پس خداوند نیز ایشان را یاری فرمود: (و آن هنگام که تیر می انداختی، تو تیر نمی انداختی، این خدا بود که تیر می انداخت) [177]. یکی از این مؤمنان مخلص خداوند جالوت را کشت و سپاهیان از هم پاشید و پا به فرار گذاشتند و شیطان به عقب بازگشت و گفت: (من چیزی می بینم که شما نمی بینید) [178]. این بنده‌ی شایسته‌ای که جالوت را هلاک نمود کسی نبود جز حضرت داوود (ع) که پس از آن خداوند سبحان او را برگزید و او را پیامبری بزرگ و پادشاهی عادل و دادگستر قرار داد؛ پس از آنکه مؤمنی مخلص برای خداوند و مجاهدی شجاع که از هیچ چیزی جز خداوند نمی ترسید، گردید: (و به راستی داوود را از جانب خود فضیلتی عطا کردیم، که: ای کوه‌ها و ای پرندگان، با او هم صدا شوید و آهن را برایش نرم گردانیدیم، * که زره‌های بلند بساز و در بافتن زره اندازه‌ها را نگه دار، و کارهای شایسته کنید، که قطعاً من به آنچه انجام می دهید بینا هستم) [179].

البقرة : 146 - 152.

[173] - بقره: 146 تا 152.

[174] - الأنفال : 17.

[175] - الأنفال : 48.

[176] - سبأ : 11.

[177] - انفال : 17.

[178] - انفال : 48.

[179] - سبأ: 10 و 11.